تشییه‌های تلمیحی در سرود‌های شفیعی کدکی (م. سرشرک)

*حیب‌الله سلیمی
**سید احمد پارسا

چکیده

تشییه و کشیش دو مقوله بلاغی که ادیت‌شده‌اند که البته در علوم بلاغی از دیرباز در طول حوزه بی‌بیان به آنها پرداخته‌اند. برخی شاعران ایرانی با استفاده از طریقه‌های زبان فارسی، با تلقی این دو مقولة گونه بلاغی نازه‌ای یا یکدیگر ارتباط خاص که در این ژنوس به یکدیگر تشییه‌های تلمیحی از آنها یاد می‌شوید، موضوع پژوهش حاضر، بررسی این گونه بلاغی در سرود‌های دهه چهل و پنج به این راه که از این دو مقولة اولی از دهه پنجم شفیعی کدکی است. برای این کار، این دو مقولة به حال مجموعه‌های شعری زمینه‌ها، به‌کارگیری، از زبان فارسی، در کومه‌های ناشری، مثل درخت در شب باران از بودن و سرودن، و می‌جویم میلیون‌ها بررسی شده است. هدف این پژوهش شناساندن و بررسی‌های این گونه بلاغی جوی اشکال‌دادهایی، برخی‌های آنها از اجزاء ترجمه‌نامی‌بری‌ها، داشتن زمانی زمانی و اختصاص آن به زبان فارسی است که باید اولی بار در ادب پارسی انجام می‌گردد. شاخت راه‌بندی موضوعی این تشییه‌ها به موضوعات شعری شفیعی کدکی و میزان توانمندی ای در یا کارگیری و نوع لمحات به کار رفته، از اهداف دیگر این پژوهش است که به روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از یک تحلیل متون بررسی شده است. فرآیند تحلیلی از آنکه اشکال یا ساختارهای اصلی، دنبال عرفانی، علمی و عکسی در چاودن مشاهده در این نشیه‌ها، اگاهی شکار از این مقولات و نسل از این زمینه رو نشان می‌دهد. مهیج مسئله با ساده‌ای این نشیه‌ها در سرود‌های شاعر، نواوری‌های آن در این پیش و نسبت معنایی. پس‌سایر سروده‌ها با این گونه بلاغی را نوجی نمی‌کند.

کلیدواژه‌ها: شعر معاصر، نشیه، تشییه، تلمیحی، شفیعی کدکی.

*habiballah1308@gmail.com
**dr.ahmadparsa@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۷
تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۷/۲۷
دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۷، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
1. مقدمه

تشیع یکی از شگرددهای زیبایی افرادی در شعر است که در لغت به معنی مانندکردن چیزی به چیز دیگر و در اصطلاح علوم بین‌المجال‌های ادبی، همانند مشاهدات و مشاهده قیاسی در یک یا چند صفت مشترک (رک: فرهانی، 1369، شرح، بررسی‌های ادبی از آغاز تا ابتدای جهت جنگ ایران و عربستان؛ 1373، شرح‌های ادبی از آغاز تا ابتدای جهت جنگ ایران و عربستان؛ 1373، شرح‌های ادبی از آغاز تا ابتدای جهت جنگ ایران و عربستان) است. این شگرد ادبی از آغاز تا ابتدای جهت جنگ ایران و عربستان. در ابتدای نگه‌دارنده‌شدن، سپر دگرگون شده است. تشیع‌های خیالی و وهمی، تشیع تفضیل، مشروط، بی‌صدق، کاهش، از این دست، نمونه‌هایی از شعر دگرگونی هستند. تشیع‌های تلمیحی نیز شگردی است که دو گونه بلافاصله تلمیح و گونه تشیعی که دو گونه بلافاصله تلمیح و بلافاصله تشیعی با توجه به مشاهده‌های خاص با تکیه بر وجه‌پوشی معین نمایان سازند. درک این گونه تشیع، مستلزم داشتن ذهن و آگاهی مشترک شاعر و خواننده‌ها، پویایی در زمینه تلمیح‌ها است. بسیار این «ترکیب اثر» در شعر شاعران نیز در گرو میزان آگاهی آنان، دسترسی به گنجینه فرهنگی بشری، و تبعید در شعر یک هنر فارسی است.

شافعی کندی (متولد 1318 ه. ش)، شاعر، منتقد استاد بر جستجوی دانشگاه با داشتن پشت‌نشین عظیم فرهنگی به‌خوبی با تلمیحات اساطیری، دینی، عرفانی، تاریخی و غنابی آشنا‌تر. فالاربران، نسل یا نسل مشابه شاعری که نمود آن را می‌توان در تأثیر کتاب‌های کهن‌گرایی چون صورخانی؛ در شعر فارسی (1350) و موسیقی‌نواز (1358) مشاهده کرد. سبب شده است بیش از همه شاعر دیگری در هزاره‌گی این گونه بلافاصله موافق باشد. نظر می‌رسد ارتباطی با که‌ران‌گی از سربهداها و اکثری مشاهده‌ها مهندس سربده «حلالی» (رک: شافعی کندی، 1376: 275) یا مجموعه شعری ارتباط با نام هزاره دوم (آیوبی کوهی) (1378) از همان روند توجه‌بندی باشد. کثرت تلمیحات به‌مستندات دینی، عرفانی، اساطیری، غنابی و املاک آنها در متن سربهداها و به‌خوبی مؤید این نظر است.

پژوهش حاضر می‌کوشد به‌شکلی تحقیقی-تحلیلی و با استفاده از شیوه تحلیل محتوا به بررسی این گونه ادبی در سربهداها دهه چهل و دوم‌دهه اولیه به‌نفع شافعی کندی (م. سرشنک) پردازد. برای این منظور، مجموعه شعری آیوبی‌های برای ساختار (1367) شامل مجموعه‌های دقت شعر او با نام‌های زنده‌مانده، شیخ‌خوانی، از جمله برگ، در کوچک‌خوانی‌های تنگانوردی، مثل درخت در تربیت بزرگ، از بدون سرودن، و بی‌شو جویح مولیاوان و اوکلی اوکلی شده است. چکیده به شکلی به‌هیچ‌ور
تشیه‌های تلمیحی در سروده‌های شفیعی کدکنی (م. سرشک)، صص 95-111

ظرفیت‌های زبان فارسی، بررسی یک ویژگی جدید سبکی شفیعی کدکنی، تیبین توانمندی‌های او در به‌کارگیری ظرفیت‌های بالا در زبان، شناخت رابطه مضمونی این تشیه‌ها با موضوعات شعر او و میزان توانمندی او در به‌کارگیری نوع تلمیحی‌های به‌کاررفته، به‌منظور شناخت بهتر سروده‌های شفیعی از اهداف پژوهش حاضر است.

۲. مبانی نظری: تشیه‌های تلمیحی

تشیه‌های تلمیحی تلفیق دو گونه بالا، تشیه و تلمیح است که در آن، گاه شخصیتی دینی، استروهرای، غنایی، عرفانی، تاریخی و گاه اشکاره به واقعه و ماجرا در می‌انجامد به آنها در جایگاه «تشیه‌ی» قرار می‌گیرد و نویسنده به به‌کارگیری آن شیوه به اهداف خاص خود دست می‌باید: دریافت و فهم این گونه تشیه متوسط به دانش خوانندگان در دبیرگی تلمیح به‌کاررفته در شعر است. کتاب‌های بلاغی به تشیه تلمیحی، ویژگی‌ها و اعراف آن اشکاره‌ای تکرر می‌دهد. اما در مقاله‌های مربوط به تشیه در این زمینه اثر ورکه اهمیت مخصوصی دیده می‌شود. شیکا در تعریف آن نوشته است: «تشیه تلمیحی تشیه‌پذیر است که درک و جبهه‌ای آن در گرو اشکاره با استروهر و داستانی است» (شمسا، ۱۳۹۶: ۱۳۱). اما کیا اثرات تشیه تلمیحی را به جلال‌الدین همایی نسبت داده است (همان، ۱۳۹۵: ۳۳۰). همایی در کتاب تفسیر مثنوی مولوی، داستان قبلا خاصی بر روی این موضوع بر دیده‌ها، را در پی: 

بر درخت گندم می‌زنند، از طوفان محلمان بیرون نشند

(مولوی، ۱۳۷۸: ۳۷۰)

وازه طولانی را در پاینده، توییع داده و سپس نوشته است: "توضیحاً این بیت متنوع صنعت تلمیح و تشیه تلمیحی است" (همان، ۱۳۷۸: ۵۳). در مقاله "جایگاه تشیه‌های تلمیحی در ساختار غنای شعر استاد حمیدی شیرازی" (عرفانی و ماجرا، ۱۳۹۱) فقط تشیه‌پذیری تلمیحی غنایی بررسی شده است و نویسنده از لحاظ تاریخی سیاه‌آمیزی، بیان و توصیف زبان‌های متفاوت، "فرانگیخنت عاطفه و احساسات مخاطبان"، "برندرانست عاشقی و معنون کردن بر عاشق متعقل داستان‌های غنایی" و "حبیب داستان‌های تاریخی عاشقانه، بیشتر و غیره" (همان، ۱۳۹۵: ۳۲۱) داخل دارد، چون جزئیات تحقیق آنان ادبیات غنایی بوده است، فقط آن را در نظر داشته‌ام و از ویژگی‌های تلمیحی سخنی به میان نیاورده‌ام.
۲-هدف تشیع‌های تلمیحی

هر موضوع جدیدی که در حوزه ادبیات مطرح می‌شود، می‌تواند اهداف مختلفی ایجاد کند. علت بی‌پی‌پرگ و همگام‌سازی، نمایش، بیان احوال شخیص، قدرت‌نمایی، تفسیر و تأویل، پژوهش‌های مختلف و سایر اهدافی از اهداف آفرینش تشیع‌های تلمیحی است که به‌صورت ساده‌تری دو دنیه، استنادی، و غلبه به موجزترین شکل با ادعای همانندی به‌گونه‌ای از آن‌ها بیان می‌شود.

۲-ویژگی‌های تشیع‌های تلمیحی

تشیع‌های تلمیحی ویژگی‌های منحصر به فردی دارند که تاکنون در هیچ پژوهشی به آنها اشاره نشده است:

۱. نمایی‌زدهای: نمایش‌های کوشا و هنری با استفاده از شکوه‌های گوناگون جنون تشیعی.

۲. برجسته‌سازی: برخی از پژوهشگران برجسته‌سازی را از مقوله فکل و استفاده نوبت در این راستا (شمس، ۱۳۹۳: ۹۷) می‌دانند. اما اندکی دقت در تشیع‌های تلمیحی نشان می‌دهد که در این سمت این نوبت برجسته‌سازی صحیح‌تر، تشیع‌های تلمیحی نمود بارز برجسته‌سازی هستند. ترکیبی جنون «بل طوفان» (شفسی کدک، ۱۳۷۶: ۲۵۲) و موارد این چنینی نمونه این ویژگی است.

۳. ابزارهای تشیع‌های ملغز، تشیع‌های بلخ و تلمیحی هر دو از ابزار برجوایند؛ به‌گونه‌ای که پژوهشگران هنگام اشاره به این دو مقوله بلخ، ابزار را ویژگی اصلی و جداسازی‌انها معرفی کرده‌اند (دک: فاضل، ۱۳۶۳: ۳۶ و شمس‌پیش، ۱۳۷۲: ۲۶). بنابراین، بتوان به‌ین دردسر کنونی را کوشن‌های دو دنیه با روابط معرفی کرد.

۴. ترجمه‌پذیری: بسیاری شعر را ترجمه‌پذیر می‌دانند. برای نادرستی این نظریه، می‌تواند تشیع‌های تلمیحی دست‌کم به همان شکل به زبان‌های دیگری ترجمه‌پذیر است. این نوع فهم این گونه پاسخ است که در جزییات و مشخصات بیان می‌شود. كه در نهایت به‌ین، نیزی از تلمیحی به‌کاررفته در قبیل درک است: هم‌اکنون دیدگاه دربافت معمول و زیبایی تلمیحی، آشنا
تشیه‌های تلمیحی در سروده‌های شفیعیبک در (م، سرشک) صص. 110-111

قبل با آن داستان یا مثل یا آب یا شعر است» (وحیدان کامیاری، ۱۳۹۰: ۶۶). ترجمه‌ای جون »درخت معجز زرده‌شان» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۱۶۶) و »سره کاشمر» (همان) را بسیاری از تحلیل‌کنندگان فارسی زبان در قالب تنشیه تلمیحی به‌ساده دریاپنده، اما ترجمه‌ای این مفاهیم با همین ایجاد در زبان‌های دیگر دشوار و حتی نامنک می‌رسد.

تا گذشته جدید ربات به آن کاروان و مانده بود از این کرده است. پرستش جون نتواند دیو در محوا که نیاز دید زیبای دیگری جای گرفت رفتی را با پیش یافته را (همان، ۱۱۱)

5. اختصاص داشتن به زبان فارسی. این گونه بلاغی ویژه زبان فارسی است. تا چهار جه تکاردگان اطلاعی در کتاب‌های عربی اشاره‌ای به این گونه تنشیه نشده است ولی بنظر می‌رسد این گونه تنشیه خاص زبان فارسی باشد.

6. داشتن زمینه روایی. تنشیه تلمیحی که در قالب تنشیه بلای، مؤذن، مفصل و... ظاهر می‌شود، دارای زمینه‌ای روایی است؛ زیرا قسمه، داستان یا روایتی با درون‌مایه‌ای است، تاریخی، عرفانی و غنایی را فرا باد می‌آورد. برای مثال، ترکیب »نهمین عشق« (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۲۵۷) در شعر »حلاج«، نهایاً از روند درک تلمیح مردوب به این شخصیت عرفانی قابل درک است که در جای خود به آن اشاره خواهد شد.

۲۰. شفیعی کدکنی و تنشیه تلمیحی

شفیعی کدکنی ضمن به‌کارگیری تنشیه تلمیحی با اهداف خاص، گاه با عوض کردن جای مشیه و مشیبی و کاستن از صراحی مطلب، تلمیح را در یوشیدگی خاص ایفا ارزی قرار می‌دهد و با این کار زیبایی و نتیجه‌های فراوانی از آن را به اوج می‌رساند. برای نمونه در سروده »شب خوانی« به‌جای نام پیامبر دروغ‌گویی کرون مسیله‌ای کتاب با استفاده از کافی تحقیر از لغوی این »یغمبرگ کنام برده و سپیده کاپ» (صحب کاذب) را به آن تنشیه کرده است که در نوع خود بسیار بکر و کم‌نظیر است؛ زیرا اشتهار به صحی کاذب و صحی صادق در شعر فارسی به‌طور دیده می‌شود. اما تنشیه آن به پیامبر دروغین، آن هم بدون ذکر نام، زیبایی صورت و تلمیح به‌کارگرفته را در چندبار از کرده‌ها و نتیجه‌های فراوانی از آن را نیز بجای آن فکر خاصی به‌خودیه‌است؛ زیرا صرف دروغین، ملایر آنکه پا بهور صفت همیشه همراه مسیله‌ی کاذب (صحب کاذب) در تاریخ اسلام است، ناخودآگاه آن را با پیامبر راستین در تقابل قرار می‌دهد که در اینجا صحی صادق است و رسول اکرم(ص) را فرا باد می‌آورد.
3. پیشینه تحقیق

درباره دو مقاله تشبیه و تلمیح در کتاب‌های مربوط به علم بینان و پیدایش بطور مبسط بحث شده است، اما تاکنون درباره تلفیق این دو به‌صورت "تشبیه تلمیحی" و "بزرگ‌های آن به‌صورت مستقل پژوهشی انجام نشده است. در مقاله "ترکیبات تصوری تلمیحی" ملمع از آیات، احادیث و اساطیر در قضاوت خاقانی (به‌نامی، فضیلی ۱۳۹۲) به‌NAS نسبت به تلمیحی تصوری تلمیحی، تصوری و تلمیحی اند. مؤلفان مقاله "جایگاه و تلفیق تشبیه در دیوان زنبیلیان" و "عالم حسینی" (میر و شکیبی ۱۳۹۴) تلمیحی و تلمیحی را اضافه‌های تلمیحی دانستند. مقالات زیر هم در هدایت‌های متعدد و کوتاه به‌طور گونه توضیحی تناها به‌کار رفته‌های تلمیحی سبب‌شناسی کرده‌اند:

۱. مقاله "تجلیل سنتاری اولویت تشبیه در دیوان سعدی تهرانی" (غلامروده‌نجی و محمدی، ۱۳۷۳). مقاله "تلیحی از سرقت ادبی تا تنگه تلمیح در مبانی بلاغی" (سبایی و خیری ۱۳۳۶)، مقاله "تجلیل تشبیه و جایگاه آن در شعر شفیعی کدکنی" (بهمن مطلق ۱۳۹۲)، مقاله "بررسی عناصر زبان‌شناختی (ارایه ادبی) در منابع سلیمانی ابری و فتح‌الله خمینی (کوچکیان، ۱۳۸۹)، مقاله "مشابهات در شعر روستایی" (ابراهیمی‌نژاد و فاطمی ۱۳۸۹) و مقاله "بین‌الملل و شعر روستایی" (روحانی، ۱۳۸۵). تاکنون پژوهش مستقلی در زمینه تشبیه تلمیحی بطور عکس و درباره این مقاله ادبی در سروخه‌های شفیعی کدکنی بطور خاص انجام نشده است.
تشریح تئوری تشابه‌ی تلمیحی در سروده‌های شفیعی کدکنی م. سرشک (تهران: صص 95-111)
است تا راهم فکر حماسی، نگاه معترض و روح تسلیم‌پذیر داشته باشند، و با اشاره به این موارد،
تقدیس آنها و مراده انسان را با طبیعت و روايت می‌کند.

جسته‌ام آفاق را در جام جمشید جنون/ هرچژ عشق تو باقی را کمیک یافته‌ام (همان، ۵۰).

شفعی کدکنی در این بیت به جمشید و جام اشاره می‌کند: <یادم جام جمهان‌نامه، جام
گیتنامه، جام جهنم‌یی، جام جهان‌ی‌دا> در تمام فرهنگ‌ها جام بوده است که احوال عالم
و زاده فلک را در این مدل‌هایی از جام جهان شراش پدشانده‌اند که به‌عنوان
کشف می‌کنند این سازش به افته پایه‌ای است به‌بدونه‌ای در این به‌شماره تلمحمی در
پارادوکس زیبا میان مضمون و موضوع شعر رابطه ایجاد کرده که در نوع خود بکر و جدید
است. به‌نظر می‌رسد جنون همان عشق باشد که همانند عشق جهنم در احوال عالم و راز هفت
فلک را می‌داند.

آگاهی از جهان پس از مرگ همواره یکی از دعف‌ده‌هاش بشیر در هر عصر و دوره‌ای
بوده است. شفعی کدکنی در شعر زیر با بهکارگیری تلمحمی «ویرافوار» علاوه بر
اغراض خاص خویش این مهم را بیان‌ارو شده است

اگاه از ستاره‌های شمشیر/ از تمسی و نور راه‌های/ ویرافوار دیده‌گشود/ آن مرگ ارغوانی
آمده/ پدیده‌ای در رود/ و پرگشود (همان، ۲۳۹).

ارداویراف یکی از شخصیت‌های دیدنی این زمینه است: <جوی اسکندر اوعستا و زند را
سوزانده، پس مردم ایران‌شهر در شک افتادند. برای بازیافت حقیقت دین، ارداویراف را
برگردانند تا به جهان دگر رود و از پدیده عمل مردم خبر آوردی> (بهار، ۱۳۹۱: ۲۹).\n
شفعی کدکنی در خود را به این شخصیت اسطوره‌ای تلمحمی می‌کند و در قابل‌این تشیبی، به
بیان کشف و شهوت‌های که از ملایمات عرفان است می‌پردازد، مضاف بر آن، تلویحاً به بحث
حیات پس از مرگ هم اشاره دارد.

ب) شخصیت‌های عرفانی

خلاف شفعی کدکنی به عرفان و تصوف، چه با توجه به تصريح خود او (درک: شفعی
کدکنی، ۱۳۹۲: ۱۷) و چه با نگاهی به پیش‌عمدایی از پژوهش‌های او در زمینه تصحیح
متوش عرفانی و شرح و تعلیق نویسی بر آنها هیچ‌کس و این مستند بخوبی توجیه کننده
بسامد تشییع‌های تلمحمی مربوط به شخصیت‌های عرفانی در سروده‌های ایشان است که
تشیبیه‌های تلمیحی در سرود‌های شفیعی کدکی (م.سرشکر) صص ۹۵-۱۱۱

سبب شده بساده این کوتاه بلاغی بعد از شخصیت‌های اسنادی در جایگاه دوم قرار گرفته‌است. (کر: نمودار ۱) که از میان آنها اشاره به حلال جنگ‌گیری است و همین مسئله نشان دهنده علاقه قبیل شفیعی کدکی به این شخصیت عرفانی و تننگ انتخاب او با موضوع شعر است:

تو در نمای عشقچه خواندی؟ که سال‌های بالای دار رفتنی و این شجاعت‌های پیری/ از مرهونته‌نتونا

پرهیز می‌کند (شفیعی کدکی، ۱۳۷۶: ۲۷ۺ).

اضافه تشیبیه نمای عشق، تشیبی تلمیحی است به ماجرای حسین‌نمغه مقیصر حلال: «گفتند اگر روز بخون سرحکرده ساعد باری چرا آفودی؟ گفت وضو می‌سازم. گفتند چه وضو؟ گفت: رگتنان فی العشق لیکن وضو هما اکلادم: در عشق دو رکعت است که وضو ان درست تزیین ولیمی از خود شفیعی کدکی است که می‌توانیم به ودلیه‌ندادی و بیان احوال شاعر را در آن مشاهده کرد. شفیعی کدکی علاقه‌ی حلال به خضر نیز که در ادب عرفانی نماد پیر و مرشد است اشاراتی داردً

ای خضر جنون برخ در ماه که در این راه رفتم و سر، راهنما به جایی نرسیدم (هامان، ۴۸). شاعر با تشیبیه جنون، که نهایت شفیعی عاقبت است، تشیبی تلمیحی شفیعی در که در اصل تلمیحی قرآنی است و در آیات ۸۲-۶۰ سورة کهف به منصوب از آن (مکاری خضر و موسی) سخن رفته است، از سپی کلام از فعل‌های (الاسبابی این) نیست و مشخص می‌شود که شاعر خود را بهطور پنهانی در جایگاه موسی (ره‌های) که نیاز به راهنمایی دارد قرار داده و با در خواب‌های جنون (در جایگاه پیر و مرشد) از مناسبی خود از را به سرمنزل مقصود برساند. در ترکیب خضر جنون در ظاهر تناقض ووجود دارد، اما شفیعی کدکی هنگامیانه آن را در منطقی تلیمی زیبا آورد است.

خضر راهام می‌شود جنون تا ن از مکر راه بردا/ گی به جابی مرسید از مشری کامل نداشت؟ (شفیعی کدکی، ۱۳۷۶: ۴۹).

(۷) تشیبیه‌تلمیحی و داستان پیامبران

شفیعی کدکی مسلمان هر مسلمان دگری با داستان‌های پیامبران در قرآن و کتاب‌های مرتبط به آن چون قصیده‌ای و امثال آن آشناست. علاقه‌بران، تحصیل در مدارس علوم دینی، تحصیل در رشته زبان و ادبیات فارسی و یادگیری آن به زبان و مطالعه در رشته علوم دینی نیز زمینهً آشنا با تاریخ اسلام و قصیده قرآنی و قصیده کرده است. بنظر می‌رسد نگاه شاعرانه او و آریوش تعریف تشیبیه مرتبط به این مسئله، از همین روند
تشیبی طوفان به پل در تابستان و آوازگان و ارتباط آنها در محور افقی با باد و بیغمبران کوچک با تداعی داستان طوفان نوح (ع) درک این گونه بلافاصله را برای خوانندگان تهیه می‌کند. ترکیب "پل طوفان" نمودار برنجسته‌سازی است که نشان می‌دهد در اسپ و در جوزة تشیبی هم تنشخ و برچسبی امکان پذیر است.

همچنان بی‌سیدنی پیر/ لحظاتی که پر خورش را به قنات‌ها می‌کشید/ از دو سوی این دو

با کی شدنی باک خاک سوی خویش/ باک یاک سوی خویش (عمان: ۳۴۲).

شفعی کدنی در تشیبی تلخیحی گاهی به جای ذکر صریح شخصیت مورد نظرش، از تعبیری کتابی استفاده می‌کند که بر ابهام هنری مطلوب می‌افزاید. در شعر بیش گفته (بی‌حضرت ابراهیم (ع)) از تعبیری بی‌سیدنی سپید‌نوی استفاده کرده است که تشیبی است هن که در یک مطلب که "قلیاً مرم می‌پری را به خود نمیدیده و او لین کسی که آن را مشاهده نمود حضرت ابراهیم بود را در محاسن می‌سازد دیده به درگاه خدا عرض کرد پروراها این چیست؟ حق عزو جلال فرودم: این وقار و سنگینی است. عرض کرد پرورداگران به وقار و سنگینی می‌پیفر، (شیخ صدوق: ۱۳۸۰، این گونه تشپ‌های تلخیحی توامندی و سلط شفعی کدنی را بر علوم حیات و کتاب‌های مربوط به آن نشان می‌دهد که در ضمن پاک‌کردن داستان‌های پیامبران، با مشهبه قراردادن آنها، خوانندگان را در یک فرآیند تطبیقی با دنبای ذهن و فکر خود آشنا می‌کند. در تشیبی تلخیحی بی‌سیدنی پیر، طرافی خاص دیگه می‌شود. در نهایت‌اول، با عنايت به کتابی و بخش ذیر می‌آیند، به‌معنای نمونه و دلیل، وارد پیر حضور بنظر می‌رسد، مثلاً سپید‌نوی نشانه پیری است، اما شفعی با اشاره به دفاعی زبان قارسی، پیر را در معنای مشرق و راه‌ها به کار گرفته است که در نوع خوب نمونه بلافاصله تارخه است.

ما در صف گذاران خرم خرم، گرمسی‌ها و فقر از مزروع کرامت این عیسی صلیب‌نده/ با داس هر هلال درودم (شفعی کدنی، ۱۳۷۸: ۲۸۷).
تشیه‌های تلمیخی در سروده‌های شفیعی کدکی (م. سرشکه)، ص ص 110-111

شعر بالا به آیه ۱۵۷ سوره نساء اشاره دارد که صرائحاً تأکید می‌کند که حضرت عباسی به صلیب کشیده نشده است. علاوه بر این، به‌نظر می‌رسد تعیینی به این بار بی‌سیاستی است که عیسی (ع) را مصلوب می‌دانند.

(د) تشهیه‌های غنایی

ابد غنایی بخش پنجمی از ادب فارسی را دبیرمی‌گیرد. شاید افرادی باشد که بیشترین بخش ادب غنایی را عاقبت‌های آن تفکیک می‌داده، شخصیت‌های مشهور ادب غنایی چون فرهاد، شیرین، مجنون و امثال آنها، در بخشی از تشهیه‌های شفیعی کدکی به‌کار رفته‌اند، زیرا یک نیمه از شخصیت‌های شفیعی کدکی متعلق است به شعر غنایی و یا هیچ‌گاه از این نوع ادبی کاملی جدا نمی‌شود؛ حتی در اشعار جامعه‌گرایی این ساخت و یوگی در این مورد برداشته می‌شود.

امین سلیمانی، بر فرد حسینی، سایر ایرانیان و در عاقبت‌های او تغییر موضع‌یابی مهمی ایجاد

همچنین فرهاد از جنون زد نیش‌های بر فرق خوش

این شهید عشق غیر از خوشش قائل نداشت

(شفیعی کدکی، ۱۳۷۶: ۸۴)

با آنه همگی مجنون، گشتیم شهره در شهر

(هامان، ۶۹)

فرهاد پاک‌کنی که بر قبیله عشق

افروخنم به حسرت شمع مزار خود را

(هامان، ۷۴)

کو دشت یک‌گلو تا سر دم‌چو مجنون

این های‌های زار دیوانوار خود را

(هامان، ۷۷)

از چه و ته به و آیند شیام بسته؟

(هامان، ۸۰)

بیشترین تشهیه‌های تلمیخی غنایی مربوط به دفتر شعر زمان‌ها است (رک: نمودار ۳۲). که اولین دفتر شعر شفیعی کدکی است. هرچند شفیعی «روحیه عارضی و بیمارگونه سیک هنده» (هامان، ۱۰) را به پیش از غزل‌های آن دفتر حاکم می‌داند، «نمی‌توانم تلفیز نرم و ملامی که نشان از طاقب روحیه شاعر دارند» (زرقانی، ۱۳۸۷: ۱۷۱) در آن فراوان است.

این فور نغمه‌های نزدیک نشان دهنده ذوق قریب، خلاقیت و توأم‌می‌خواندی شاعر در حوزه ادبیات غنایی است که مقایسه، تشویق و ترغیب، عبرت‌هایی مقد ذم و هم‌بندی در آفرینش آنها دخیل بوده است.
(1) یاکیاه شخصیتهای دیگر در تشییع شفیعی کدکی

آگاهی شخصیه کدکی از فرهنگ ایران و تسلیت ایشان به مسائل مربوط به آن سبب شده است که در کتاب شخصیتهای چون حلال و عینالقضات همدانی به شخصیتهای معاصر چون دهخدا یا هموگن ابتدای (سایه)، و محمد مصدق آن اشاره کند که در این پژوهش به

چند مورد اکتفا به:

مسافرتن در راه دارد/ سبب بهداشت آن/ نیاز ساکن آن/ نیاز صاحب بر تن دارند آنان/ برادران/ نسب به واژه‌هایان (سواری می‌کند)/ به جهت‌های نظام تو حرفم و زنی که روز و روزبان را کتکید/ مند گویم و طایفی عشق را بسرا/ که کمتر از کنست/ که هیچ سیست/ بر اوج آن/ حمایت یک بر (شیعیت کدکی: 1362:242).

شفیعی کدکی در تشییع تلمیحی «طاسیع عشق» از کتاب الطالوسان «المحلل» (نقالی، 1389:240) متأثر است و با یادکرد روزبهانی تلویحاً شکل‌برداری عرفان را درخور تأويل و تفسیر می‌داند.

شفیعی کدکی برای همه کسانی که در راه بارشی خود جان داده‌اند احترام و برتری قائل است؛ خواه عارفانی چون حلال و عینالقضات همدانی باشند که شخصیتهای ایرانیان، خواه کسانی چون سرافط که مربوط به فرهنگ دیگر‌ها، اما سرارا احتمال همیشه در طول تاریخ: زبان‌های دریک در اسناد ماه چست/ بپردازی شکنجه پس از شکار مرگ (مانگ: 264).

شعار ویسعت درخت را در زمستان به وضعیت سرافط پس از تویندان جام شوکران تشبه کرده است. این تفاوت که درخت در اواخر زمستان و اوایل بهار با شکوفه‌دان از این مرگ ناشی از شکار می‌شود و دوباره زندگی را از سر می‌گیرد.

خنیاگ غرباله را/ باری کویپید/ با من همازی کنند از آن دیوان/ کامیا دلم. در این شبان شوکرانی/ بر چون می‌بیند/ چه بره از باد و باران/ امروز هم از این شبان هیچ چیزی/ ویتنی (شکت شکردنی می‌گارد/ نه‌ی به چیست؟/ اوم!) که آن هم/ در زمان شاب به خاموشی (گرایی/ شیعیت کدکی: 1362:242).

ترکب «شبان شوکرانی» یادی می‌کند شما شوکرانی، سرافط و مورد مربوط به آن است و با «به گارسپ اورکا» (همان)، که شعر را به او تقدیم کرده است، تشییع تلمیحی آن قوت می‌گیرد.

و/با یک کاهریه علوم قدیم در تشییع های تلمیحی

درک خیصی از ادبیات قدیم به‌ویژه شعر شعرآئینی چون سنایی (446-273 هق)، خاقانی (520-550 هق)، یزید (550-628 هق)، حافظ (722-741 هق)، امیرالان در گرو دانستن پرخی از آگاهی‌های مربوط به علوم قدیم است. شخصیت کدکی نیز به‌پرداخت
تشیه‌های تلمیحی در سروده‌های شفیعی کدکنی (م. سرشک)، صص 95-111

داستان جایگاه علیه و دانش‌گاهی و حتی شاعری خود ناگزیر از دانست بسیاری از این دانش‌های استفاده از تشیه‌های شاعران کلاسیک، به پیروی از آنان، تشیه‌های

دیگری می‌آفریدند:

این بدامه هر شب و امشب، با کیمیای عشق و با سیمای مسی، سنجی ز آب و آتش ترکب

شفیعی کدکنی، همانند تمام سراپیندگان توانمند دیگر، نمایه‌های خاص خود را دارد؛ از همین‌رو، با تسلط کیهانی بر دفاعی شعری، به کار خود و ایهام‌های ایهام‌آمیز در تشیه‌های تلمیحی در جایگاه مشهور به این گونه بلاغی نواوری کرده و تشویق زیبا، دوبعدی و منحصر به فردی آفریده که ترکیبی از تشیه و تلمیح و ایهام تناسب است.

چون کاروان س любого و رفتیم از این بیابان/زان رو دری این تفرگه نتشی زیبایی ما نیست (ممان. 159).

ترکب «کاروان سایه» هم می‌تواند در معنای حقيقی در نظر گرفته شود و هم به صورت ایهام تبادل شعر «کاروان» هوس‌گرد ابتدای را در ذهن نداشته می‌کند (رک: ابتدای. 1278).

۱۰۳ که شفیعی کدکنی آن را «بهترین نمونه شعر اجتماعی خطابی» می‌داند (رک: شفیعی کدکنی. 1380: 155).

چون هالام سر بوردیده به زانتی غم است

از شب نار می‌گویند روست از (شفیعی کدکنی. 1376: ۳۳۷)

نتایج گیری

مسائل بلاغی در هم‌های زبان‌ها کوچکی مشترک‌کاران، اما تفاوت‌های زبان، ساختار و ظرفیت‌های هر زبان می‌تواند قابلیت‌های بلاغی خاص خود را داشته باشد. زبان فارسی از جمله این زبان‌ها که به‌خوبی از ظرفیت فرخوردگی است. یکی از این پتانسیل‌ها که توامی‌است تشیبی را از حالت کلی‌سازی پیوند آورد تشیبی مśmyحی است که با داشتن

ویژگی‌های چون آشنایی زبان، برجه‌سازی، ترجمه‌سازی و داشتن جنبه روابطی، خود را هم‌جهون یک گونه بلاغی ویژه زبان فارسی مطرح کرده است. به‌گونه‌ای که در آن متستر

dانش مشترک بین شاعر و خواننده است. هم تشیبی و هم تلمیح در بلاغت اسلامی از قدمت

فرایان برخوردان. تشیبی مربوط به علم بیان است و تلمیح در حوزه بیدع جای داده شده

است. شاعران پارسی گوی ایرانی با یپوند این دو حوزه به‌گونه‌ای نو از تشیبی دست افتادند که

تازگی خاصی به آن بخشیده و آن قراردادن تلمیح در جایگاه مشابهی است. بسامد استفاده از

این گونه تشیبی به‌ونامندی، معلوم‌شناس و ذوق و قربیه او سببی دارد.

شیفیعی کدکنی بهدلیل آگاهی و سبیع از مسائل ادبی، عرفانی، دینی، تاریخی و اشتغال به

بزوگ‌هم‌های فراوان در حوزه‌های مختلف ادبی و عرفانی، داشتن سلط و تبحر در علوم

بلاغی و تأثیر آثار ارزشمندی در این زمینه، توامی‌است با درک و آگاهی کامل، این گونه

بلاغی را به‌خوبی به‌خدمت گزیند. به‌گونه‌ای که تشیبی مسميحی به‌صورت گیکی از ویژگی‌های

سیاسی سروودفاوهی می‌تواند پی‌بیندگد است.

تلمیحات اساطیری، عرفانی، گنایی، تاریخی و علوم قرآنی به‌ترتیب بیشترین بسامد را در

شروع شیفیعی کدکنی دارند. به‌نظر می‌رسد دیل افراش بساماد اساطیری، به‌ویژه اساطیر

مرتبط با حوزه خراسان، در این گونه ادبی، ناشی از علاقه شیفیعی کدکنی که خراسان، یک

زادگاه ایشان است، و آگاهی زرف از اساطیر ایران و علاقه به آنها باشد. تلمیحات عرفانی در

درجه دوم اهمیت قرار دارد. به‌نظر می‌رسد بسامد تلمیحات عرفانی به علاقه شاعر به عرفان،

تصمیح و تشریح آثار عرفانی چون سنابی عطر و تجلی انتظار فعلی اسلامی و رابطه انسان و خدا

از نیکلزن به‌اشت. هرچند امورزش او در حوزه‌های علوم دینی نیز در آغاز جوانی نمی‌تواند در

این ساخته بی‌تأثیر باشد. تشیبی‌های مسمحی پیامبران و ذکر قابع مهم زندگی آنان نشان

از بزانت آن قابع در شعر شیفیعی کدکنی است که با پایداری آن و مشابهه فارادانشناس،

اندیشه‌های ناب از در فرآیند تطبیقی نمایان می‌شود. تشیبی غنایی بی‌پیشرنی بسامد در

شماره ۸۷، شماره ۱۰۸
تشیه‌های تلمیحی در سروده‌های شبیه‌کنی کدکنی (م. سرشک)، ص 45-111

زمینه‌ها ارتباط شبیه‌کنی کدکنی را با فرهنگ و ادبیات کلاسیک نمایان می‌کند و ادامه این
بسامد نشان دهنده ارتباط او با این بخش جدایی‌نابود ادبیات فارسی است. داشتن توانایی
در این زمینه‌ها شرط لازم است اما شرط کافی نیست؛ زیرا همه اینها بدون داشتن قربانه و
دوچ شاعری ناممکن با نظری مرسید. شبیه‌کنی کدکنی توانسته است، در برخی موارد، به جای
یک شخص‌تتای اسطوره‌ای، عرفان. تاریخی و موراثی از این دست در چاگه مشاهده، با
شناسنگ ترکیبی کتابی در چاگاه آن، به آن گونه بلایگ تازی کنی بنخست با یا
به چاگره‌ی ایهام‌آمیز مشاهده می‌گردد آن را از ایهام هنری خارج کردن، به‌گونه‌ای که
خواننده نعلذ ذهنی فواون بتواند آن را دریابد و همین مسئله به انتدابه حاصل از
آن را پیروی داشته‌اند.

با تأمین در نمودار ۳ نیز مشخص می‌شود تشیه‌های تلمیحی در زمینه‌ها، اولین دفتر
شعری شبیه‌کنی کدکنی، و بی‌حیة مولفان، آخرین دفتر شعری او در این مجموعه، بیشترین
بیش‌ترین سماد را داشته‌اند. بر اکثر این موضوع این نتیجه حاصل می‌شود که شبیه‌کنی
به این گونه بلایگ توجه دارد و این توجه ویژه می‌تواند ویژگی سپسی از لفظ شود.

منابع
قرآن کریم،
اینچه، هوشنگ (۱۳۸۹) زاهی و/به تهران: سخن.
ابراهیمی، ابراهیم (۱۳۸۹) «تشیه در اشعار رودکی» پژوهش‌شناسی زبان و ادبیات علمی، دوره
دوم، شماره ۵: ۲۰۰۸-۲۰۷۷.

ابن بابور، محمد ابوبکر (۱۳۸۸) «تشیه در اشعار رودکی» پژوهش‌شناسی زبان و ادبیات علمی، دوره
دوم، شماره ۵: ۲۰۰۸-۲۰۷۷.

بیلی شیرازی، روح‌الله (۱۳۸۹) شرح شعر‌نامه، تهران: شمس.

بیا، سید علی (۱۳۸۸) «اصطبلیه و اصطبلی» تحلیل و

بهمنی مکتشف، حسن (۱۳۸۹) «تشیه در اشعار چاگاه آن» در شعر شبیه‌کنی کدکنی» تحلیل و

بهگیم، ایوب (۱۳۸۹) «تشیه در اشعار چاگاه آن» در شعر شبیه‌کنی کدکنی» تحلیل و

بومی‌نامه، پژوهش‌شناسی نمایشگاهی، سال پنجم، شماره ۹:

در صفحه ۸۷-۹۱.

تدبیر، مهدی و همکاران (۱۳۸۴) «اضاقت دیگر زبان‌های بلایی با تیپ نیست در شعر صائب»

جلال‌الدین ازدیک، تئاتر، نمایشگاه ایوان، شماره ۴۹: ۸۷-۹۱.

مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۴۲: ۸۷-۹۱.
دیوانی، سعدالدین مسعودی‌نامه (۹۹۶) از کتاب‌های برجسته در میان شاعران فارسی: مجله شعری‌های (یزد/۹۹۷). شماره: ۱.

عباسعلی Qty ولجی، قلم: شعر عاضوی را در منابع علمی بیان کنیم.

مجله، مدیترانه (۱۳۸۹) از نشر علی‌اکبر ماهینی، تهران: شرکت نشری خانه علم.

۱. دیوانی از سعدالدین مسعودی‌نامه (۹۹۶) از کتاب‌های برجسته در میان شاعران فارسی: مجله شعری‌های (یزد/۹۹۷). شماره: ۱.


۳. دیوانی از سعدالدین مسعودی‌نامه (۹۹۶) از کتاب‌های برجسته در میان شاعران فارسی: مجله شعری‌های (یزد/۹۹۷). شماره: ۱.

تشییه‌های تلمیحی در سروده‌های شفیعی کدکی (م. سرشک) ص ۹۵-۱۱۱

مولوی، جلالالدین (۱۳۸۷ م) منتوی معنوی به‌کوشش کریم زمانی، چاب یا‌نده‌هم، تهران: اطلاعات.  
میر، محمد و لیلا شکبایی (۱۳۹۴) "جایگاه و تحلیل تشبه در دیوان زبان‌نامه محقق هندوستانی" بهارآباد، سال هفتم، شماره ۱: ۲۳۷-۲۷۲.

نجاریان، محمود (۱۳۸۸) "عمق بخاری و تشبه" کوشش‌نهام، سال هفتم، شماره ۲: ۱۱۹-۱۴۰.

وحیدیان کامیار، نصیر (۱۳۹۰) بیداری دیگر جهان زبان‌های ضریب‌سای، چاب یا‌نده‌هم، تهران: ادبیات.

همایش جلادالدین (۱۳۹۰) تفسیر منتوی مولوی داستان قلعة ذات‌الصور با در هوش‌یا، چاب سوم.

تهران: اکن.

یاحقی، محمد جعفر (۱۳۸۹) فرهنگ اساطیر و داستان‌ها در ادبیات فارسی، تهران: فرهنگ معاصر ایران.

نمودار ۱

نمودار ۲